

Criticism and Study of the Philosophical Foundations of the “Creative City Theory” Based on the Conceptual Framework of Allameh Tabatabai's Theory of Credit Perceptions

Mohammad Taghi Pirbabaei, Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

pirbabaei@tabriziau.ac.ir

Fatemeh Jabbarpour Mehrabad, Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

fatemehjabbarpour@gmail.com

Maryam Mahfoozian, Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

maryammahfoozian@gmail.com

Article Info

Keywords:

Reconsideration, creative city, pragmatism and neo-pragmatism, Allameh's theory of credits

ABSTRACT

Objective: The theory of the Creative City is one of the most up-to-date and innovative theories in urban planning, emerging as part of the third wave of urbanization worldwide and has become one of the most applicable theories in urban studies. In the context of creating creative cities, merely focusing on modern global theories is insufficient. Living in a country with an Iranian-Islamic culture requires the localization of these approaches.

The goal of this study is to elucidate the role of credit systems in creating a creative city; thus, the research reconsiders the concept of the creative city in light of Allameh Tabatabai's approaches, identifying common elements among the inferred concepts. Through this, it seeks to recognize the influential dimensions in the creative city based on Allameh's theory of credit perceptions within the Iranian-Islamic urban context.

Method: Therefore, this research intends to examine the ideas of urban planning in creative cities, considering contemporary approaches such as pragmatism and neo-pragmatism. Subsequently, the perspectives and thoughts of Allameh Tabatabai, a philosopher in the Islamic world, will be analyzed in this context, exploring the ontology, anthropology, and epistemology of these concepts. Finally, these approaches have been studied in a comparative manner.

Results and Conclusions: The findings of the research indicate that the main components constituting Florida's creative city theory have a relative contradiction with Islamic thought. If the components of this theory are reconsidered in accordance with Islamic thought and Iranian culture, the creative city theory will undergo positive changes, enhancing its effectiveness.

نقد و بررسی مبانی فلسفی نظریه شهر خلاق با تکیه بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

محمدتقی پیریابایی، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران، (نویسنده مسئول)

pirbabaei@tabriziau.ac.ir

فاطمه جبارپور مهرآباد، دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

fatemehjabbarpour@gmail.com

مریم محفوظیان، دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

MaryamMahfoozian@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
کلیدواژه‌ها: بازاندیشی، شهر خلاق، پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم، نظریه اعتباریات علامه	<p>بیان مسأله: نظریه شهر خلاق یکی از به روزترین و تازه‌ترین نظریه‌ها در شهرسازی است که به دنبال موج سوم شهرنشینی در دنیا نمود یافته و به یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌های حوزه مطالعات شهری بدل شده است. در زمینه ایجاد شهرهای خلاق تنها توجه به نظریه‌های جهان مدرن و پس از آن کافی نیست. چراکه زندگی در کشوری با فرهنگ ایرانی-اسلامی نیاز به بومی کردن رویکردهای فوق دارد.</p> <p>هدف تحقیق: هدف این مطالعه تبیین جایگاه اعتباریات در خلق شهر خلاق است؛ در نتیجه بازاندیشی شهر خلاق با توجه به رویکردهای علامه طباطبایی، مؤلفه‌های مشترک بین مفاهیم استنتاج شده تا از این طریق ابعاد تاثیرگذار در شهر خلاق با توجه به اعتباریات علامه، در شهر ایرانی-اسلامی بازشناسی گردد.</p> <p>روش تحقیق: بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است که اندیشه‌های شهرسازی شهر خلاق با توجه به رویکردهای رایج در دنیای امروزی نظیر پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم بررسی گردد. سپس دیدگاه و اندیشه‌های علامه طباطبایی، از فیلسوفان جهان اسلام، در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی این مفاهیم مورد مذاقه بوده و در نهایت این رویکردها به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.</p> <p>یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش گویای این است که مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده نظریه شهر خلاق فلوریدا، دارای مغایرت نسبی با اندیشه‌های اسلامی است و در صورت بازاندیشی مؤلفه‌های این نظریه مطابق اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی، نظریه شهر خلاق دستخوش تغییراتی مثبت خواهد شد و کارایی آن دو چندان می‌گردد.</p>

مقدمه

شهرها برای این که بتوانند تقاضاهای در حال تغییر امروزی را برآورده سازند، نیازمند تفکر خلاق، وجود فضاها و محیطهای شهری جذاب و خلاق و نیز رهبری خلاق هستند (مطلبیان و رحمانی، ۱۳۹۹). در طول دو دهه گذشته شاهد تکامل سریع مفهوم شهردانش به عنوان الگوی مطلوب توسعه شهری بوده‌ایم؛ به گونه‌ای که از مفاهیم اولیه به شهر هوشمند رسیده و از این رو سده حاضر سده دانش محور نام گذاری شده است (Yigitcanlar, 2005). فلسفه شهر خلاق آن است که در هر شهری همیشه ظرفیتی بسیار بیشتر از آنچه در وهله اول تصور می‌شود، وجود دارد (عابدینی و همکاران، ۱۴۰۳)؛ پایه‌های شهر خلاق را می‌توان در سه زمینه اقتصاد، فرهنگ و مکان در نظر گرفت (علیپور و همکاران، ۱۳۹۸) و بر این موضوع تاکید دارد که هر نوع رابطه‌ای بین شهروندان با سازمان‌ها و... بایستی کاملاً دوجانبه و مبتنی بر رفع مشکلات شهری و ارتقاء کیفیت زندگی باشد (غریب و همکاران، ۱۳۹۱). از ویژگی‌های عمومی شهر خلاق: ایجاد مکانی جذاب برای کار و زندگی، ایجاد مکانی جذاب برای گردشگران، توانمند در شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی (با بکارگیری فناوری و مدیریت صحیح آن) و همچنین مرکز جذب بنگاه‌های مختلف نوظهور (خوشه‌ها و مراکز تحقیقاتی به ویژه در زمینه فناوری برتر) می‌باشد (مختاری ملک آبادی و همکاران، ۱۳۹۳). ریچارد فلوریدا در این زمینه بیان می‌کند که شهروندان شهر خلاق بایستی به راحتی به ارائه نظرات و پیشنهادات خود پردازند و فضای شهر باید جاذب استعدادها و خلاق در زمینه‌های تخصصی و گوناگون علمی باشند (جاوید و همکاران، ۱۳۹۱). هر چند که او شاخص شهر را تولید و اشتغال خلاق می‌داند (فتوحی مهربانی و همکاران، ۱۳۹۵).

از آنجا که اندیشه‌های فلوریدا با دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم بسیار قرابت دارد، از آن جهت که طبق مبانی فلسفه نئوپراگماتیسم، حقیقت امری انسانی و متکی به انسان می‌باشد و این امر تعبیر دیگری از اومانیزم است که محور همه چیز را انسان می‌داند؛ و در نظریه شهر خلاق نیز، انسان محور اصلی است پس به نحوی از انحا به نفی اصالت اثر الهی در مواجهه با اثر انسانی پرداخته شده است.

پژوهش حاضر، تحقیقی کیفی و تحلیلی براساس نظریه پردازی می‌باشد. در این پژوهش بنیادی- توسعه‌ای جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل مقالات، کتب و منابع مرتبط صورت گرفته است. در این پژوهش، ابتدا به معرفی دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم پرداخته شده است تا از این طریق رابطه‌ای بین سودمندی نتایج و عمل در فلسفه اصالت عمل پراگماتیسم و شهر خلاق ایجاد گردد. چرا که یک نظریه همچون نظریه شهر خلاق، زمانی موثر و نتیجه‌بخش است که در عمل نتایج مطلوبی را به همراه داشته باشد.

همچنین براساس عقاید این دو فلسفه در شهرهای معاصر -از جمله شهر خلاق- که مرتباً در حال تغییر بوده و اصلی‌ترین ویژگی آن پیچیدگی است، دادن هر گونه نسخه واحد برای مسائل شهری و در شهرهای مختلف، اشتباه بوده و به زمینه‌گرایی اهمیت فراوان داده شده است. در دیدگاه نئوپراگماتیسم به طور خاص، شناخت، مستلزم گفت و گو و عمل اجتماعی است و نه کوششی برای منعکس کردن طبیعت. مطابق چنین رویکردی، در شهر خلاق دیدگاه‌های نظریه پردازان، توسط جامعه توجیه می‌شوند و فرهنگ زمینه موجود بر شکل شهر خلاق تاثیر گذار می‌باشد.

با بررسی استدلال‌ها و تفاسیر مرتبط، می‌توان اذعان داشت که ایده شهر خلاق در تمام کشورهای دنیا و از جمله ایران قابل پیاده‌سازی می‌باشد. اما از آن‌جا که این دیدگاه برگرفته از مبانی فلسفی و جهان‌بینی غربی است، لذا برای جلوگیری از ایجاد مغایرت‌های اساسی با باورها و اعتقادات نظام اسلامی باید به بومی‌سازی چنین ایده‌هایی پرداخته شود و در حقیقت این موضوع به دغدغه اصلی نوشتار حاضر تبدیل شده است. برای این منظور، در این مطالعه به اندیشه‌های اعتباریاتی علامه طباطبایی روی آورده شده است. در واقع موضوع ایجاد ارتباط بین شهر خلاق، رویکردهای پراگماتیستی و نیز اندیشه‌های علامه، جنبه بداعت و نوآوری پژوهش حاضر می‌باشد.

از این‌رو، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که تا چه میزان نظریه شهر خلاق با توجه به فرهنگ اسلامی کشور ایران قابلیت به کارگیری و سودمندی دارد؟ بدین منظور در این مطالعه ابتدا با معرفی نظریه شهر خلاق، مبانی نظری در این حوزه از منظر نظریه پردازان آورده شده، سپس با بررسی ارتباط آن با رویکردهای پراگماتیست و نئوپراگماتیست میزان همپوشانی نظریه شهر خلاق با پارادایم‌های معرفی شده واکاوی می‌شود. سپس در راستای تبیین این قرابت، جایگاه نظریه اعتباریاتی، تمایزات و اشتراکات نظریه علامه طباطبایی در تبیین شهر خلاق با رویکرد اسلامی مشخص می‌شود.

پیشینه پژوهش

جیکوبز (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان "ساخت محله خلاق: امیدها و محدودیت‌های سیاست‌های خلاقانه شهر در برلین"، با توجه بر اینکه سیاست‌های اخیر توسعه شهری تأکید زیادی بر ایجاد شهرهای خلاق داشته است. این مقاله خواستار اصلاح و بازنگری در مدل خلاقانه شهر است که در آن برابری، و نه رشد و مرکزیت، در مرکز آن قرار دارد. چنین رویکردی شامل تصویب خلاقیت نه به عنوان یک استراتژی توسعه شهری بلکه به عنوان یک حق انسانی است. السایل و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان "آیا شهرهای خلاق هم می‌توانند همه‌گیر باشند؟ نحوه حرکت شهرهای دوبی، آمستردام و تورنتو به سمت خلاق بودن و فراگیر بودن چگونه بوده و چه ابتکار عمل‌هایی داشته‌اند؟" به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از شاخص‌های خلاقیت با موضوع فراگیر بودن همسو هستند اما برخی دیگر در تناقض هستند همچنین در تنش بین خلاقیت و فراگیر بودن خلاقیت همیشه غالب می‌شود زیرا به موجب آن منافع اقتصادی در اولویت قرار دارند؛ همچنین اهم یافته‌های این پژوهش ارتقا میزان تاب‌آوری، نوآوری و رشد اقتصادی در شهر خلاق و وابستگی میزان خلاق بودن شهرها با مذهب، جهان‌بینی، نژاد، قومیت و جنسیت می‌باشد. ساساکی (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان "بازسازی شهری از طریق خلاقیت فرهنگی و مشارکت اجتماعی: به بازنگری تفکر شهر خلاق در شهر کاناواوا ژاپن" با هدف بازنگری تفکر شهر خلاق به این نتیجه رسیده که شهر خلاق به یک «سیستم تولید مبتنی بر فرهنگ» نیاز دارد سیستم متعادل تولید فرهنگی و مصرف فرهنگی که از سرمایه فرهنگ انباشته بهره می‌برد و برای افزایش مشارکت فعال شهروندان ایجاد و بازسازی مکان‌های خلاق را پیشنهاد داده است. فلوریدا (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان "شهرها و طبقه خلاق" به این نتیجه رسید که دانشمندان علوم اجتماعی که به رشد و توسعه منطقه‌ای اهمیت می‌دهند، عمدتاً بر نقش شرکت‌ها در شهرها تمرکز کرده‌اند، و به ویژه بر این موضوع که این شرکت‌ها چگونه در مورد مکان‌یابی تصمیم‌گیری می‌کنند و تا چه حد با هم در مجموعه‌ها یا خوشه‌ها تمرکز می‌کنند این مقاله با توجه به موضوع ظهور طبقه خلاق، که بر تنوع و خلاقیت به عنوان محرک‌های اساسی نوآوری و منطقه‌ای و رشد ملی تمرکز دارد،

انجام گرفته است. این خط کار بیشتر نیاز به تمرکز مجدد و گسترش مفهومی را برای در نظر گرفتن تصمیمات مکان یابی افراد در مقایسه با تصمیمات شرکت ها به عنوان منابع رشد اقتصادی منطقه‌ای و ملی نشان می‌دهد.

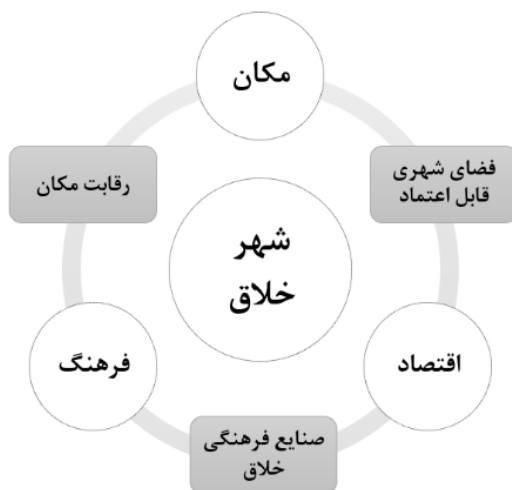
پژوهش‌های پیشین نگاه مثبت و نتیجه بخش به نظریه شهر خلاق دارند که با تقویت مولفه‌های شهر خلاق می‌توان به رشد طبقه خلاق و افزایش کیفیت زندگی شهروندان دست یافت اما برخلاف پژوهش‌های مذکور، تحقیق حاضر درصدد بازشناسی مفهوم شهر خلاق در شهر اسلامی و بومی سازی آن با توجه به اندیشه‌های اعتباریات علامه طباطبایی می‌باشد. در این راستا پیربابایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان "نقدی بر اجرای نظریه همگانی یان گل در ایران از منظر اندیشه اسلامی با تکیه بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی" با هدف امکان‌سنجی و بومی سازی نظریه همگانی یان گل با تاکید بر بعد فرهنگی و بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی به دنبال نقد این نظریه می‌باشند.

بنابراین با اذعان به منشأ غربی شهر خلاق و وجود تفاوت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی کشورهای غربی با کشور ایران، بومی سازی این نظریه ضروری به نظر می‌رسد و نوآوری تحقیق در همین بخش بومی سازی این نظریه با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی علامه طباطبایی می‌باشد و پژوهش‌های پیشین خصوصاً پژوهش‌های داخلی صرف به بحث شهرهای خلاق و مولفه‌های کلیدی آن که زمینه غربی دارد پرداخته‌اند و پژوهش مستقلی با این مضمون بومی سازی شکل نگرفته است و خلا چنین مطالعاتی به‌منظور انطباق و تناسب فلسفی نظریه با محتوای اسلامی حاکم بر جامعه محسوس است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. شهر خلاق

شهر به دلیل اهمیت زیبایی‌شناختی و توانایی برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات مورد احترام است؛ تنوع فرهنگی در آن غنیمت شمرده شده و خلاقیت در تمام اشکال آن وجود دارد (داکسبری، ۱۳۸۹) و با تاکید بر ظرفیت و توانایی در جذب سرمایه انسانی خلاق (کوراوند، ۱۳۹۵) قادر است راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره ارائه دهد (ابراهیم‌زاده و نیری، ۱۳۹۷). شناسایی ویژگی‌های محیط‌های موفق برای توسعه بخش خلاق منطقه، عاملی کلیدی در توسعه تلاش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک است (Rebecca, 2011). از نظر بیکر شهر خلاق از به هم آمیختگی سه عنصر مکان، فرهنگ و سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود (کوراوند، ۱۳۹۵) که دستاورد آن فضای شهری قابل اعتماد، مکان رقابتی و صنایع فرهنگی خلاق است.



شکل ۱: چشم‌انداز شهر خلاق (Beaker, 2008)

این نظریه در سال ۲۰۰۲ توسط فلوریدا از صاحب‌نظران بنیادین شهر خلاق جهشی بی‌سابقه را تجربه کرد (جاوید و همکاران ۱۳۹۱). از نظر فلوریدا مردم مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که خصایصی مانند نوآوری، تنوع و تسامح فرهنگی داشته باشند و انسان‌های خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و محرک رشد اقتصادی آن می‌شوند (زنگنه‌شهرکی و همکاران، ۱۳۹۵). این افراد مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که شامل سه متغیر (3Ts) استعداد (افراد) که اندیشه‌های نوآورانه‌ای دارند، تکنولوژی و تاب‌آوری (شامل فرهنگی باز و متنوع بر مبنای قومیت، نژاد و جهت‌گیری جنسی است) باشند (ایراندوست و غلامیزارچی، ۱۳۹۴). اگرچه این سه متغیر به تنهایی سبب خلاقیت نمی‌شوند ولی از عوامل جذب‌کننده شهر و سوق‌دهنده آن به سوی خلاقیت به شمار می‌آیند (Florida et al., 1998).

اما در این تعریف هم خلاقیت و هم شاخص‌های آن، فاقد دو جزء ضروری می‌باشند: فرهنگ و زیرساخت‌های خلاقانه؛ یام ۹ در سال ۲۰۲۰ شاخص‌های جدیدی را برای خلاقیت تحت عنوان "3Ci" سطح خلاقیت ۱۰، زیرساخت‌های خلاقیت ۱۱ و فرهنگ ۱۲، تعریف کرد، و شاخص‌های قبل را قابل اعتمادتر و جامع‌تر نمود. او در این راستا شاخص زیرساخت‌های خلاقانه را به عنوان ساختار سازمان‌دهنده معرفی کرد که برای توزیع ایده‌های خلاقانه و جذب ساکنان خلاق، مورد نیاز هستند. یام معتقد است که فرهنگ در مکان‌ها، ساختمان‌ها و مردم نمایان می‌شود (Alsayer et al., 2022).



شکل ۲: شاخص‌های اندازه‌گیری میزان خلاقیت شهری براساس مدل یام، (Alsayer et al., 2022)

در جدول ۱، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر خلاق که توسط پژوهشگران مختلف در این حوزه گردآوری شده به اختصار اشاره شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مؤثر در ایجاد شهر خلاق از نظر پژوهشگران مختلف، (منبع: نگارندگان)

پژوهشگر	عنوان تحقیق	مؤلفه‌های مؤثر در شهر خلاق	زیرمؤلفه‌های مؤثر در شهر خلاق
اشتری ۱۳۹۳	شهر خلاق، طبقه خلاق	منظر	شهری مملو از نشانه‌ها، نمادها، المان‌ها، چشم‌اندازی‌های متنوع که در عین کثرت، وحدت یکپارچه دارند.
		هنر	ارتقاء هنرهای جدید و تقویت میراث هنری قدیمی شهر.
		تنوع	شهری توریست‌پذیر مملو از نژادها و قومیت‌های مختلف
		فضاهای عمومی	وجود پارک‌های متعدد، ساخت و ارتقا مکان‌های عمومی
		آموزش عالی	تعدد دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی در شهر
رضائیان قراگوزلو و دیگران ۱۳۹۱	برنامه‌ریزی شهر خلاق	کیفیت محیط زیست	-
		شرایط اجتماعی و فرهنگی	تنوع فرهنگی و نژادی، خانه‌های امن، بهداشت، برنامه‌های آموزشی
		کاربرد تکنولوژی	استفاده از تکنولوژی مناسب، سیستم‌های انرژی کارآمد و بدون کربن، سیستم حمل و نقل کارآمد، زیربناها و ساختمان‌های پایدار
		وجود الگوهای اقتصادی	پویایی فضای محلی برای سرمایه‌گذاری در سطح محلی و با هدف صدور در بازارهای هدف
		استقرار سیاست عمومی	نقش قوانین در توسعه، اجرا و نگهداری یک شهر خلاق، شفافیت و مشارکت
کوراوند ۱۳۹۵	ارزیابی نقش محله خلاق در توسعه شهری با رویکرد محیط نوآور، مطالعه موردی: محلات منطقه ۳ شهر اصفهان	مردم	-
		بنگاه‌های اقتصادی	-
		فضاها	-
		پیوندها	-
		چشم انداز	-
نظم‌فر و دیگران، ۱۳۹۷	تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر برنامه‌ریزی شهر خلاق، مطالعه موردی: ارومیه	مقیاس	جمعیت، مساحت
		صنایع خلاق	موسیقی، سینما و تئاتر، ادبیات، اقامتی و پذیرایی، موزه
		طبقه خلاق	تعداد شاغلان دارای تحصیلات عالی
		زیرساخت‌های خلاقیت	واحدهای تحقیق و توسعه، تعداد محققان، تعداد اختراعات، تعداد خوشه‌های صنعتی
		کارایی و اثربخشی	کنترل و کاهش ترافیک، گسترش فضای سبز، عملکرد شورای شهر، جلوگیری از فساد
		سرزندگی	مراکز خرید متنوع، مراکز اوقات فراغت، بناهای خاص (مذهبی و فرهنگی)
		تکنولوژی ارتباطی	دسترسی به اینترنت، کیوسک‌های اطلاع‌رسانی، دسترسی به عابر بانک و...
		تنوع اجتماعی	تنوع ادیان و اقوام، نیروی کار غیربومی، تنوع زبان، نحوه برخورد با اقلیت‌ها و نژادها
		سرمایه اجتماعی	مشارکت، اعتماد، امنیت، آگاهی، انسجام
		کیفیت زندگی	فرهنگ و گردشگری، وضعیت زیست‌محیطی، وضعیت اقتصادی، وضعیت کالبدی
ابراهیم‌زاده و نیری، ۱۳۹۷	سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهر خلاق، مطالعه موردی: مناطق پنجگانه شهر زاهدان	مشارکت	در تهیه و اجرای طرح‌ها، مدیریت شهری، تدوین چشم‌انداز، استفاده از پیشنهادات مردم در اداره امور
		تنوع شهری	وجود موسسات و سازمان‌ها، فضای سبز، بناهای خاص مذهبی و فرهنگی، مراکز اوقات فراغت و تفریحی، فرصت‌های شغلی، مراکز خرید
		سرزندگی فضاهای شهری	نورپردازی معابر، ایمنی عابرپایاده، فرهنگ شهرنشینی مردم، بهسازی فضای خیابان، برگزاری مراسم و جشن‌های خیابانی، ایجاد فضای نشستن در مراکز پر رفت و آمد، دسترسی به مراکز فرهنگی و هنری، اصلاح تابلوها و نماهای ساختمان

دسترسی آسان به اینترنت، دفاتر پیشخوان دولت، باجه‌های اطلاع‌رسانی، عابربانک	تکنولوژی ارتباطی	کاربست روش مرور سیستماتیک ادبیات در شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر خلاق	امیری و دیگران، ۱۳۹۸
عملکرد سازمان‌های خدمات‌رسان، جمع‌آوری زباله و پاک‌سازی شهر، حمل و نقل مناسب، آماده‌سازی فضاهای ورزشی، کنترل ترافیک	کارایی و اثربخشی		
کارآفرینی، آزادی بیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، زیرساخت اجتماعی و فرهنگی، زیرساخت حامی خلاقیت	ساختاری		
تاب‌آوری، ارزش‌ها و هنجارها، جو اجتماعی	اجتماعی		
محیط فرهنگی، گردشگری، هنجارها و ارزش‌ها، مشارکت فرهنگی	فرهنگی		
نوآوری، اقتصاد فرهنگی، اقتصاد خلاق	اقتصادی		
محیط نهادی (معافیت مالیاتی، کمک‌های مالی و...)، مشوق‌ها و مقررات، چارچوب عمومی و سیاسی	نهادی		
استعداد، هسته خلاق، درصد متخصصان و هنرمندان و نویسندگان	انسانی		
محیط کالبدی، بازار شهر، زیست‌پذیری، امکانات رفاهی، برندینگ، دسترسی‌پذیری	فضایی		

مهمترین شاخص‌های جهانی در زمینه شهر خلاق به همراه ابعاد مورد تاکید آن‌ها نیز در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: مهم‌ترین شاخص‌های جهانی در زمینه شهر خلاق و ابعاد آن (فتوحی مهربانی؛ کلانتری؛ رجایی، ۱۳۹۵)

ابعاد مورد تاکید	شاخص خلاقیت
فرهنگ، فراغت و توریسم	شاخص خلاقیت و فرهنگ
تنوع، امکانات رفاهی، سرزندگی، فرهنگ، فناوری و نوآوری، استعداد، تولید و اشتغال خلاق، زیبایی‌شناسی محیط، پایداری، امنیت	ده شاخص شهر خلاق فلوریدا
سرمایه فرهنگی و مشارکت	شاخص شهر خلاق اروپا
مکان، منابع و تجهیزات	شاخص خلاقیت چک
زیست‌پذیری و امکانات	شاخص خلاقیت شاریبی
حمل و نقل و دسترسی	شاخص جوامع خلاق
جهانی شدن، شبکه‌ها و مبادله	شاخص انرژی خلاق
گشودگی، تحمل‌پذیری و تنوع	شاخص خلاقیت اروپا
سرمایه انسانی، استعداد و آموزش	شاخص خلاقیت هنگ کنگ
سرمایه اجتماعی، مشارکت و حمایت	شاخص زندگی فرهنگی
حکومت و قوانین	شاخص ترکیبی اقتصاد خلاق
فعالیت‌های تجاری و اقتصاد	شاخص شهر خلاق لندری
کارآفرینی	شاخص خلاقیت بالیتمور
تکنولوژی و فناوری اطلاعات و ارتباطات	شاخص خلاقیت جهانی

بررسی مبانی فلسفی شهر خلاق

از آن جهت که طبق مبانی فلسفه نئوپراگماتیسم، حقیقت امری انسانی و متکی به انسان می‌باشد و این امر تعبیر دیگری از اومانیزم است که محور همه چیز را انسان می‌داند؛ در نظریه شهر خلاق نیز، انسان محور اصلی است پس به نحوی از انحا به نفی اصالت اثر الهی در مواجهه با اثر انسانی پرداخته شده است. بنابراین، ابتدا به رایه تاریخیچه، تعاریف و نظریه‌پردازان فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم پرداخته می‌شود. سپس نحوه ارتباط آن‌ها با شهر خلاق بررسی می‌شود.

۱-۲. مفهوم پراگماتیسم یا اصالت عمل

واژه پراگماتیسم، اصالت عمل یا عملگرایی و تجربه گرایی است و به سودمندی نتایج و عمل توجه دارد (نوروزی؛ شهریاری، ۱۳۹۵) روشی است برای ارزشیابی مسائل عقلی (باقری و عطاران، ۱۳۷۴).

جدول ۳: دیدگاه نظریه پردازان پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم؛ (منبع: نگارندگان)

نظریه پردازان پراگماتیسم	
چارلز پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴)	معتقد است که پراگماتیسم را باید تفکری دانست که از حالت تئوری محض خارج شده و پیوند بین نظر و عمل را مورد تأکید قرار می دهد نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵: ۴۸).
ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)	او حقیقت را با معیار عمل می سنجید و معتقد بود که آنچه به عمل درآید، حقیقی است. وی به شیوه مشاهده و تجربه اعتقاد راسخی داشت و استدلال و تعقلی را که مبتنی بر مشهودات و تجربیات نبوده، بیهوده می انگاشت (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰: ۹۳).
جان دیویی (۱۸۵۲-۱۹۵۹)	او می گوید پراگماتیسم روش تحقیق تجربی است که به همه حوزه های تجربه انسانی گسترده شده است، جان دیویی بجای پراگماتیسم از اصطلاح ابزارگرایی استفاده کرد. زیرا به اعتقاد وی ابزارگرایی تأکید بیشتری بر روش تجربه دارد (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰: ۱۰۰).
نظریه پردازان پراگماتیسم در شهرسازی	
پتسی هیلی	هیلی معتقد است که داشتن این تصور که پراگماتیسم مفهومی واحد و یکسان در میان نظریه پردازان در زمان های مختلف و مکان های مختلف داشته و دارد، تصویری گمراه کننده و غلط است (جابری مقدم و فرجام طلب، ۱۳۹۹: ۲۲۲).
چارلز هوک ^{۱۳}	این اعتقاد که تحلیل های برنامه ریزی حرفه ای باید دربرگیرنده اهداف مخاطبان آن باشد، یک دیدگاه پراگماتیسمی است. پراگماتیست ها به این دلیل که دریافته اند هر شخص تأثیر خاص خود را بر فرهنگ و اجتماع خود دارد، تمرکز خود را بر امر آموزش و یادگیری معطوف کرده اند. افرادی که در فرایند برنامه ریزی وارد می شوند، با بهره گیری از تجربه خود از زندگی در یک مکان خاص می توانند به برنامه ریزان در پیش بینی مناسب تر آینده و ارائه راه حل های بهتر برای مشکلات فعلی محیط زندگی خود کمک کنند. این مشارکت اساس هر پروژه ای می باشد (Hoch et al., ۲۰۱۳: ۵۵).

هستی شناسی پراگماتیسم

تلقی پراگماتیسم از واقعیت جهان و موجودات، مبتنی بر اصل تغییر و تحول است. به این معنا که هیچ نوع جوهر و کنه ثابتی برای جهان نمی شناسد. پراگماتیسم ها با جهانی متکثر روبرو هستند، جهانی با اوصاف و امکانات بسیار که نمی توان همه را به یکباره مطالعه و بررسی کرد، بلکه جهان باید به طور آزمایشی بدان گونه که ظاهر می شود و بسط و تحول می یابد، مطالعه شود (پاپکین و استرول، ۱۳۷۴: ۳۹۰).

معرفت شناسی پراگماتیسم

پراگماتیست ها برخلاف ایده آلیست ها اعلام کردند که انسان تنها به آن چیزی معرفت دارد که از طریق حواس تجربه کرده است. از این رو در نگرش فلسفی پراگماتیسم مجموعه ای امور به صورت محض، انتزاعی و نامربوط به زندگی نیست، بلکه وظیفه اصلی آن حل مسائل انسانی است. به همین سبب نیز در قلمرو معرفت شناسی، پیروان پراگماتیسم معتقدند که معرفت از طریق تجربه حاصل می شود و تجربه چیزی جز تعامل فرد با محیط نیست. پدیدارها پیوسته در حال تغییر هستند و در نتیجه تغییر تنها واقعیت موجود است. ثمره چنین دیدگاهی نسبی و مشروط بودن حقیقت است (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰).

انسان شناسی پراگماتیسم

انسان از دیدگاه عمل گرایی موجودی طبیعی - اجتماعی است. عمل گرایی همان اعتباری را که برای طبیعت قائل است برای انسان نیز می پذیرد. زیرا انسان را یکی از اجزای تشکیل دهنده طبیعت و کاملاً پیوسته به آن می داند. البته طبیعت از دید عمل گرایی فرایندی باز و پویا و در حال تحول است، نه نظامی بسته و مکانیکی. بنابراین انسان نیز موجودی در حال تغییر و

تجدید مستمر است. (باقری و عطاران، ۱۳۷۴). از مجموع اندیشه‌های جان دیویی برمی‌آید که وی فردیت انسان را نفی نمی‌کرد بلکه در تعریف و بیان تجربه، فرد را یک عنصر فعال و در حال تعامل با محیط می‌دید، و معتقد بود که تجربه در نتیجه این تعامل و تأثیر متقابل مستمر، رقم می‌خورد (باقری و خوشخویی، ۱۳۸۱).

۱-۳. نوپراگماتیسم

دیدگاه نوع‌عمل‌گرایانه رورتی، با "چرخش زبان‌شناختی" مشخص می‌شود. نوع‌عمل‌گرایی عنوانی است بر تجدیدنظرهای اعمال شده بر عمل‌گرایی کلاسیک اوایل قرن بیستم که چارلز پیرس، ویلیام جیمز و جان دیویی مطرح کرده بودند (نورمحمدیان و همکاران، ۱۳۹۷).

الف) انکار حقیقت و واقعیت: رورتی به جای حقیقت و عینیت که به عنوان محور فلسفه و معرفت‌شناسی مدرن قلمداد می‌شد، توافق بین ال‌ذهانی را در میان اعضای جامعه می‌پذیرد (اصغری، ۱۳۸۷).

ب) نفی عقلانیت و عقل: نفی حقیقت عینی مترادف با نفی عقل و عقلانیت، و نفی این امر نیز به معنای نفی فلسفه است. رورتی معتقد است که باید عقلی را که به دنبال حقیقت فراتاریخی و غیربشری است، رها کرد (اصغری، ۱۳۸۷).

ج) تأکید بر زبان: نتیجه منطقی چرخش زبانی این است که ما نمی‌توانیم واقعیت نهایی را بشناسیم. رورتی معتقد است که چیزی به نام طبیعت ذاتی یا صفات ذاتی اشیا وجود ندارد. ما فقط می‌توانیم از جهان صحبت کنیم. همه چیز به توصیف‌های ما وابسته است و توصیف‌ها همواره ساخت‌های اجتماعی‌اند. به علاوه، هر آگاهی یک امر زبان‌شناختی است (اصغری، ۱۳۸۷).

نظریه پردازان نوپراگماتیسم

ریچارد رورتی (۱۹۳۰-۲۰۰۵)

رورتی درباره حقیقت، کاملاً با این نظریه جیمز که می‌گوید "حقیقت همان چیزی است که در طرز تفکر ما مصلحت است. درست همان‌طور که صحیح فقط همان چیزی است که در شیوه سلوک ما مصلحت است"، هم داستان می‌باشد. تنها تفاوت آن‌ها در مبحث چرخش زبان‌شناختی و عطف توجه از مقوله تجربه به مقوله زبان است. رورتی تلاش می‌کند نظریه پراگماتیستی جیمز را با نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین تلفیق کند. در برداشت رورتی، حقیقت ساختنی است نه یافتنی. زبان‌ها ساخته می‌شوند نه این‌که یافته شوند و حقیقت صورتی از داشته‌های موجودات زبانی یعنی جمله‌هاست (رورتی، ۱۳۸۴: ص ۶۶). اعتقاد به جایگاه زبان در نظریه رورتی به گونه‌ای معنادار می‌شود که حتی معتقد است آگاهی و تفکر دو چیز متمایز نیستند؛ بلکه به طور لاینفکی به استفاده از زبان پیوند خورده‌اند. زبان یعنی عمل استفاده از رشته‌های بلند و پیچیده صداها، و علائم به منظور سازش موفق با محیط. زبان برای آن است که بتوانیم نیازهای خود را برطرف کنیم و به مقاصدمان برسیم (صادقی اول و محسنی، ۱۳۹۶).

معرفت‌شناسی نوپراگماتیسم

رورتی در کتاب فلسفه و آیینه طبیعت، دیدگاه خود در مورد شناخت را رفتارگرایی معرفت‌شناختی، می‌نامد که شناخت مستلزم گفت و گو و عمل اجتماعی است و نه کوششی برای منعکس کردن طبیعت. مطابق چنین رویکردی، دیدگاه‌های ما توسط

جامعه توجیه می‌شوند، و نظریه بازنمایی در این میان هیچ نقشی ندارد. این نوع رفتارگرایی را رورتی نوعی کلی‌گرایی می‌نامند که مستلزم هیچ نوع مبنای متافیزیکی نیست (باقری و خوشخویی، ۱۳۸۱).

انسان‌شناسی نئوپراگماتیسم

نوع عمل‌گرایی معاصر با دیدگاهی پسانوگرایانه، وجود‌گرایانه و عمل‌گرایانه، به بحث دربارهٔ انسان می‌پردازد. از نگاه این مکتب فلسفی، تعریف یگانه و محتومی از انسان وجود ندارد. آدمی در هر موقعیت به تعریف جدیدی از خویشتن، و یا به بازآفرینی خود می‌پردازد (باقری و خوشخویی، ۱۳۸۱). یکی از اصطلاحات کلیدی که رورتی با کمک آن به تعریف انسان می‌پردازد، واژگان نهایی است. به نظر وی همه انسان‌ها مجموعه‌ای از کلمات را برای توجیه اعمال، باورها و زندگی خود به کار می‌برند (باقری و خوشخویی، ۱۳۸۱).

۴-۱. اندیشه‌های همسو و ناهمسو شهر خلاق فلوریدا با شهرسازی پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

با بررسی و تحلیل اصول و مفاهیم اصلی شکل دهنده به نظریه شهر خلاق و تبدیل آن‌ها به مؤلفه‌های پایه و مقایسه این مؤلفه‌ها با مفاهیم موجود در دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم، جدول ۴ استنتاج گردید که در این جدول به میزان اشتراکات و نقطه نظرات اساسی در مباحث مورد بررسی پرداخته شده است.

جدول ۴: اندیشه‌های فلوریدا، همسو یا ناهمسو با شهرسازی پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم، (منبع: نگارندگان)

ایجاد مورد بررسی	پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم	فلوریدا	نقطه نظرات
فرهنگ	فرهنگ جایگزین علم	اقتصاد فرهنگی و متسامل	توجه به تاثیر فرهنگ در ارتقای کیفیت زندگی
تاکید بر زمینه	در نظر گرفتن شرایط خاص هر مکان	جغرافیای خلاقیت و توجه به افراد محلی	توجه به زمینه گرایی
الگوی واحد	رد هرگونه الگوی واحد و جهان‌شمول و ضدحقیقت	تنوع و خلاقیت به عنوان پیشران‌های اصلی نوآوری و رشد شهری	تنوع
ابزار انگاری	ذهن و زبان	سرمایه فکری، طبقه خلاق	اعتقاد به وجود انگاره ابزار جهت سهولت در زندگی
نتیجه بخشی	رضایت بخشی عامل نتیجه‌مند بودن نظریه و عمل	کارایی	اهمیت دادن به بعد اجتماعی
تعامل	گفتگو و عمل اجتماعی	تعامل اجتماعی	اهمیت دادن افراد جامعه به یکدیگر و توانایی برقراری ارتباط
عملگرایی	اصالت عمل	خلاقیت	تبلور ایده در عمل
هدف	کاربرد و سودمند بودن نظریات در عمل	تبدیل ایده‌های خلاق به نوآوری	عملگرایی
سرشت فکری	اصالت عمل در هر زمینه‌ای	رشد اقتصادی و کارایی	فاقد نقطه اشتراک
معرفت‌شناختی	- حصول معرفت از طریق تجربه - تجربه برآیند تعامل فرد با محیط	اندیشه‌های نوگرایانه	فاقد نقطه اشتراک
مشورت	- رویکرد مشارکتی به عنوان پایه و اساس هر پروژه - مشارکت و بهره‌گیری از تجربه افراد از زندگی در یک مکان در فرایند برنامه‌ریزی، برای پیش‌بینی آینده و ارائه راه‌حل‌های بهتر برای مشکلات فعلی محیط زندگیشان	خلاقیت محلی نتیجه مشارکت افراد محلی	مشارکت افراد محلی

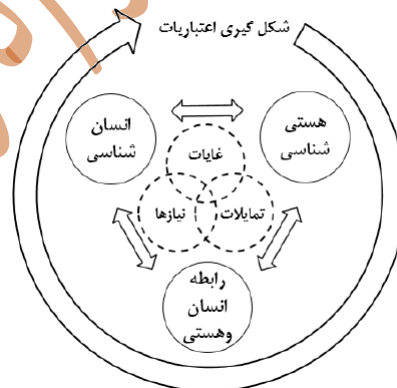
۱-۵. اعتبارات علامه طباطبایی

در بین نظریات علامه طباطبایی -متفکر و مفسر معاصر- بحث اعتباریات را می‌توان مبنای مناسبی برای ورود به قلمرو و فلسفه فرهنگ، تلقی کرد (پیربابایی و فتحعلی بیگلو، ۱۳۹۹). امر اعتباری وسیله و راهی برای عبور به مقصود اصلی است و خودش، مقصود و مطلوب بالذات نیست (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳). از نظر علامه علوم و ادراکات انسان به دو دسته قابل تقسیم است: واقعی و اعتباری (حسینی فر، ۱۳۹۶).

ریشه لغوی اعتبار، عبر به معنای عبور کردن و گذشتن از چیزی به چیز دیگر است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۸۷). علامه در رساله الانسان فی الدنيا توضیح می‌دهد که در مفاهیم اعتباری، به حسب اختلاف نظر عقلا، اختلاف بیشماری روی می‌دهد؛ چراکه اعتباریات تا زمانی که عوامل شکل دهنده آن‌ها موجود باشند، موجودند و با از میان رفتن آن‌ها از میان می‌روند و با تغییر آن‌ها تغییر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵۹). ادراکات اعتباری اولاً وابسته به قوای فعاله انسان است و دوم این که در آن‌ها «باید» یا «ضرورت» قابل لحاظ است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۳). گرچه معانی اعتباری ثابتند، اما مصادیق آن‌ها با تغییر نیازها، زمان‌ها، فرهنگ‌ها و محیط جغرافیایی تغییر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۴۲). اعتباریات بر اساس نیاز انسان برای دستیابی به غایاتی ساخته می‌شوند. هر چیزی که ما را بهتر به اهدافمان برساند، اعتبار می‌کنیم، اعتباریات متناسب با اهداف را می‌پذیریم و ناسازگار با آن را لغو می‌دانیم (پیربابایی و فتحعلی بیگلو، ۱۳۹۹).

هستی‌شناسی علامه طباطبایی

به تعبیر علامه، انسان در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله نیازهای وجود است، ادراکاتی می‌سازد که به عنوان نتیجه و غایت، احتیاجات نامبرده را رفع می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵۹). براساس نظر علامه و مطهری، سه عامل در شکل‌گیری اعتباریات نقش اساسی دارند که در تعامل با یکدیگر به شکل‌گیری اعتباریات می‌انجامند (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل ۳: مدل عوامل موثر بر شکل‌گیری و تغییر اعتباریات (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳)

تفاوت رئالیسم علامه با رئالیسم فلاسفه ما قبل این است که آن‌ها تنها عالم خارج را می‌دیدند و رئالیسم خود را بر مبنای اعتقاد به وجود عالم خارج بنا می‌نمودند اما علامه که هم عالم خارج را می‌دید و هم اعتباریات را، رئالیسم خود را بر مبنای اعتقاد به

وجود دو لایه در عالم خارج بنا نهاد. انسان با مراجعه به وجدانش درمی یابد که خودش حقیقت و واقعیت دارد و نیز خارج از حیطه وجودی او حقیقت و واقعیتی هست (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶).

معرفت شناختی علامه طباطبایی

رویکرد علامه در باب امکان معرفت و گستره آن نیز رویکردی رئالیستی است، یعنی انسانها می توانند به معرفت دست یابند؛ در این بین، حقیقی ترین معرفت، معرفت به بدیهیات است. علامه، ابزارهای کسب معرفت را حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی می داند (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸) و علم نیز دو دسته حضوری و حصولی است. علم حضوری نزد عالم حاضر است به عنوان مثال هر یک از ما به نفس خود و همچنین به افعال و آثار نفسانی خود علم حضوری داریم. وجود ما و وجود آثار و افعال ما مستقیماً نزد ما حاضر است (بیگدلو و واعظی، ۱۴۰۳). در علم حصولی حضور ماهیت معلوم است پیش عالم؛ بدین معنا که ما به امور خارج از خود آگاهی و معرفت داریم. علوم حصولی خود به حقیقی و اعتباری تقسیم می شود. مفهوم حقیقی حاکی از مصداق خارجی است؛ مانند مفاهیم ماهوی انسان و درخت اما مفاهیم اعتباری مفاهیمی هستند که با تأمل عقلی به دست می آیند (کمالی و اکبری، ۱۳۹۴).

انسان شناسی علامه طباطبایی

علامه با تفکیک جنبه طبیعی و تکوینی که اراده انسان در آن نقشی ندارد، و جنبه اندیشه و نفسانیات که برخاسته از اراده و خواسته های نفسانی است، معتقد است که نفسانیات یعنی تمایلات و احساسات و اندیشه های ناشی از آن ها نیز تابع و طفیلی هستند و به منزله ابزاری می باشند که طبیعت آن ها را برای رسیدن به هدف و مقصد خود ساخته است. لذا آدمی هیچ گاه اندیشه ها و تصوراتی نمی کند که قوای طبیعی اش را ندارد (طباطبایی، ۱۳۶۴). البته اهداف دو جنبه وجودی انسان کاملاً با یکدیگر هماهنگ و همراستا هستند، به گونه ای که دستیابی به غرض جنبه نفسانی، متضمن رسیدن به اهداف جنبه طبیعی است (نبویان، ۱۳۹۰).

از نتایج انسان شناسی علامه مبتنی بر نظریه اعتباریات، دیدگاه ایشان در باب ماهیت گزاره های اخلاقی است که اگرچه علامه معتقد به نسبت اخلاقی براساس اعتباری دانستن حسن و قبح افعال می باشد، اما با توجه به اعتقاد علامه به بعد ثابتی در افعال انسان در عین توجه به اعتباری بودن و حاصل اراده بودن ابعاد دیگر، می توان نسبت اخلاقی مطلق را نفی کرد. به عبارت دیگر آن چه که موضوع بحث و تحلیل علامه در باب نسبت اخلاقی است ادراکات خاص و جزئی ناظر به عمل فرد است و به طور مطلق تمام افعال اخلاقی انسانها را شامل نمی شود (حسنی فر، ۱۳۹۶).

البته خدماتی که نظریه اعتباریات ساختاری و علم انسان شناسی می توانند به یکدیگر بدهند دوسویه است. انسان شناسی می تواند در یافتن ریشه های اعتباریات ساختاری به نظریه اعتباریات کمک کند و نظریه اعتباریات نیز در قاعده مندی و نشان دادن مسیر عملکرد انسان شناسی به آن یاری می رساند (موسوی و حسنی، ۱۳۹۵).

۲. یافته های تحقیق

جایگاه و نقش نظریه ادراکات اعتباری در ایجاد شهر خلاق

ادراکات اعتباری در شکل دهی به شهرها براساس فرهنگ اسلامی نقش اساسی دارد. نظریه ادراکات اعتباری به عنوان مهمترین بخش تفکر فلسفی علامه گامی مؤثر برای بومی سازی مفاهیم به شمار می رود. این نظریه با تمایزی که میان اندیشه های حقیقی و اعتباری قائل می شود، خلا تئوریک که میان فلسفه اسلامی و دانش کاربردی شهرسازی شکل گرفته را پر می نماید (علی نام، ۱۴۰۰).

در نظریه اعتباریات، آن دسته از نیازها و غایاتی که ثابت بوده و ناشی از فطرت انسانی، می توانند اعتباراتی عام و جهان شمول را رقم بزنند، به شرط آن که حاصل انسان شناسی و هستی شناسی دقیق و منطبق با خلقت الهی باشند. بنابراین نظریه ادراکات اعتباری علی رغم آن که قائل به امکان شکل گیری اعتبارات ثالث، عام و جهان شمول می باشد، اما در عین حال دخالت اراده ها، ارزش ها و فرهنگ را در وضع اعتبارات قطعی می داند (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳).

التزام به اعتباراتی که ویژه جامعه ای خاص و تابع نیازها و غایاتی خاص است، برای دیگر جوامع، لغو و غیرعقلانی خواهد بود، چراکه انسان ها در عین این که به وجهی متحدند به وجهی هم مختلف اند و در نتیجه، احساسات و ادراکات مختلفی خواهند داشت. جوامع نیز به تبع اختلاف در اهداف و مقاصد اجتماعی، احکام اعتباری متفاوتی خواهند داشت. این امر در شهرهای خلاق با رنگ و بوی ایرانی-اسلامی مصداق پیدا خواهد کرد (هاشمی و گنجعلی، ۱۴۰۰) و این گونه است که فرهنگ، سرمایه با ارزشی در شهر خلاق به شمار می رود.

بنابراین با استفاده از تحلیل مبانی فلسفی نظریه های توسعه شهری جدید نظیر نظریه شهر خلاق فلوریدا می توان به فهم عمیق تری نسبت به این نظریه ها و میزان کارایی آنها در جهت تحقق اهداف و آرمان های مردمان متأثر از این نظریه ها دست یافت.

بررسی تطبیقی مؤلفه های شهر خلاق با رویکردهای رایج در دنیای امروزی نظیر پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم در مقایسه با نظریات علامه طباطبایی

در این قسمت، براساس موارد تشریح شده در طول پژوهش به معرفی مؤلفه های مهم در مبحث شهر خلاق پرداخته و سپس میزان انطباق و اشتراک و نیز عدم اشتراک بین آنها با دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم و نیز بحث اعتباریات علامه طباطبایی به تفصیل ارائه می گردد. همچنین نظر هریک از مباحث سه گانه در مورد مؤلفه های مورد نظر به طور کامل شرح داده می شود.

۱-۲. مؤلفه فرهنگ

- در شهر خلاق فلوریدا

پایه های شهر خلاق در سه زمینه اقتصاد، فرهنگ و مکان می باشد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۸) یعنی هر نوع رابطه ای بین شهروندان با سازمان ها و... بایستی کاملاً دو جانبه و مبتنی بر رفع مشکلات شهری و ارتقاء کیفیت زندگی باشد (غریب و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهشگران شهر خلاق، فرهنگ را ابزار بازآفرینی شهری و صنایع خلاق را موتور توسعه اقتصادی نظریه پردازی می دانند (امیری و همکاران، ۱۳۹۸). شهر خلاق به دلیل اهمیت زیبایی شناختی و توانایی در پرورش قوه ادراک و ارتباطات، تنوع فرهنگی و بیان خلاقیت در تمام اشکال مورد احترام است (داکسیری، ۱۳۸۹) و روندهای جدید فرهنگ و هنر در آنها پرورش می یابند (امیری و همکاران، ۱۳۹۸).

فلوریدا مؤلفه‌های شهر خلاق را سه متغیر استعداد، تکنولوژی و تاب‌آوری می‌داند (Florida et al., 1998: 36). البته که این تعریف فاقد دو جزء ضروری می‌باشد: فرهنگ و زیرساخت‌های خلاقانه. شاخص زیرساخت‌های خلاق به عنوان ماده اولیه و ساختار سازمان دهنده است که برای اجرای خلاقانه، عملکرد خلاقانه و مکان‌های فرهنگی - برای ایجاد زمینه مناسب در توزیع ایده‌های خلاقانه و جذب ساکنان خلاق - مورد نیاز است. یام نیز معتقد است که فرهنگ در مکان‌ها، ساختمان‌ها و مردم نمایان می‌شود (Alsayel et al., 2022).

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

پایه اصلی تفکرات پراگماتیسم بر دانش و واقعیتی است که ریشه در باورها و عادات اجتماعی (فرهنگ) دارد (هاشمی؛ گنجعلی، ۱۴۰۰) و بر نقطه نظرات مختلف، زبان انسانی، تاریخ، فرهنگ، عادات و آداب به عنوان داده‌های کارآمد تاکید دارند (جابری مقدم و فرجام طلب، ۱۳۹۹). پراگماتیست‌ها به این دلیل که دریافته‌اند هر شخص تاثیر خاص خود را بر فرهنگ و اجتماع خود دارد، تمرکز خود را بر امر آموزش و یادگیری معطوف کرده‌اند (Hoch et al., 2013). در نئوپراگماتیسم نیز، رورتی نوع عمل‌گرایی است که به جای تجربه، زبان و به جای علم، فرهنگ را جایگزین می‌کند (باقری و خوشخویی، ۱۳۸۱).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

در سایه قوانین اعتباری کارهای آدمیان تفسیرهای ارزشی می‌یابند و در نتیجه عملی مطابق فرهنگ خاصی خوب و محترمانه و مطابق فرهنگی دیگر بد و توهین‌آمیز به حساب می‌آید و این همان تاثیر فرهنگ بر اعمال انسان‌ها می‌باشد.

۲-۲. مؤلفه زمینه‌گرایی

- در شهر خلاق فلوریدا

طبق نظریه سرمایه خلاق فلوریدا، انسان‌های خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و رشد اقتصادی آن می‌شوند. این افراد مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت و نوآوری، متنوع و تاب‌آور باشند (ابراهیم‌زاده و نیری، ۱۳۹۷). جیکوبز در کتاب اقتصاد شهرها استدلال می‌کند تنوع ساکنان محلی، آن‌ها را به تعامل بیشتر ترغیب می‌کند که خود این به شکل‌گیری ایده‌های جدید کمک می‌کند (فتوحی مهربانی و همکاران، ۱۳۹۵).

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

پراگماتیست‌ها با جهانی متکثر روبه‌رو هستند، جهانی با اوصاف و امکانات بسیار که نمی‌توان همه را یکباره بررسی کرد. بلکه باید به طور آزمایشی، همان‌گونه که ظاهر می‌شود و بسط و تحول می‌یابد، مطالعه شود (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰) و چون واقعیت ثابت نیست، بلکه در هر مرحله از رویدادها و وقایع تغییر می‌کند، جهان نیز هیچگاه ثابت نیست و از طریق اعمال تغییر می‌کند. پس عمل نقش محوری را در فلسفه پراگماتیسم دارد (هاشمی و گنجعلی، ۱۴۰۰). همچنین پراگماتیست‌ها به زمینه‌گرایی در تمام مراحل برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن فعالیت‌های انسانی و رویدادهای اجتماعی برای رسیدن به دیدگاهی گسترده‌تر در امر برنامه‌ریزی تاکید فراوان دارد (جابری مقدم و فرجام طلب، ۱۳۹۹). از آن‌جا که حقیقت ساخته انسان است؛ زیرا انسان خالق واژه‌هاست، و هیچ آگاهی پیش از زبانی وجود ندارد؛ پس هرچه هست در متن تاریخ و زبان، معنا و حقیقت می‌یابد؛ دریافتی که برای ما با توجه به زمان و مکان مطلوب است (بسطامی، ۱۳۸۹).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

همه اعتباراتی که حاصل اندیشه‌ها و تجارب بشر در طول تاریخ حیات انسانی هستند، دچار تغییر نخواهند شد. ولی مهم آن است که هر اجتماع موحدی بتواند براساس نگاهی که به انسان و هستی دارد و نیازها و غایات آن، به داوری درباره اعتباریات موجود بنشیند و براساس میزان سازگاری با مصالح اجتماع خود برخی را طرد، برخی را اخذ کرده و برخی را تغییر دهد و یا برخی را وضع نماید و طبیعتاً برخی را نیز به طور موقت و دوره‌گذار تجویز نماید (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳). معانی اعتباری نیز ثابت‌اند، اما مصادیق آن‌ها با تغییر نیازها، زمان‌ها، فرهنگ‌ها و محیط جغرافیایی تغییر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۱).

۲-۳. مؤلفه الگوی واحد

- در شهر خلاق فلوریدا

ایده شهر خلاق به تنوع علائق و عقاید در پهنه شهر احترام می‌گذارد و راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره ارائه می‌دهد، این‌گونه شهرها بر جذب سرمایه انسانی خلاق تاکید می‌کنند (کوراوند، ۱۳۹۵). از طرف دیگر هر شهر خلاق باید در تاریخ، توسعه، سرمایه انسانی، دارایی‌ها، چالش‌ها، آرمان‌ها و فرصت‌ها منحصر بفرد باشد. ولی به هر حال اجرایی کردن ایده‌ها و راهبردها در یک شهر هنری است که براساس دانش و استعداد‌های مناطق، حساسیت به پیچیدگی اکوسیستم فرهنگی جامعه و زمینه‌های گسترده‌تر فعالیت‌ها صورت می‌گیرد (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۷).

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

پراگماتیسم‌ها دارای تلقی‌های مختلفی از جهان هستند (جبری مقدم و فرجام طلب، ۱۳۹۹) و بر این باورند که امکان تجربه یک موقعیت برای دو بار وجود ندارد. اعمال به جهان‌بینی انسان بستگی دارد و هیچ‌دو انسانی وجود ندارد که تجارب یکسانی با یکدیگر داشته باشند (هاشمی و گنجعلی، ۱۴۰۰) و با دادن هر گونه نسخه واحد و جهان‌شمول برای مسائل شهری و در شهرهای مختلف، مخالف هستند (جبری مقدم و فرجام طلب، ۱۳۹۹). به گفته ویلیام جیمز، کتاب آفرینش در حال نوشته شدن است. در چنین جهانی امکان حدوث هر نوع پدیده و واقعه غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد و انسان این فرصت را دارد که از طریق فعالیت‌های تجربی به نحوی درگیر جریان‌ها شود و آن‌ها را در جهت منافع خود هدایت نماید (مرتضوی و حیدری، ۱۳۹۶).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

اعتباریات، ادعای اثبات‌گرایان مبنی بر جهان‌شمولی نظریه‌ها را رد می‌کند (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳) و در سطح فلسفی گامی برای بومی‌سازی مفاهیم به شمار می‌رود (علی‌نام، ۱۴۰۰) چراکه نظریه‌های اجتماعی که از جنس علوم اعتباری‌اند، جنبه وضعی و قراردادی دارند و تابع نیازهای حیات فردی و اجتماعی و عوامل محیطی‌اند و با تغییر آن‌ها تغییر می‌کنند و در نتیجه نسبی و موقت می‌باشند (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۳۸). انسان‌ها احساسات و ادراکات مختلفی دارند. بنابراین احکامی را جامعه‌ای معتبر می‌داند و جامعه دیگر کوچکترین اعتباری برایش قائل نیست (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۴. مؤلفه ابزار انکاری

- در شهر خلاق فلوریدا

اغلب پژوهش‌هایی که در زمینه شهر خلاق و نوآر انجام شده‌اند، به نقش خلاقیت در رشد و شکل‌دهی به شهر پرداخته‌اند. از طرف دیگر میزان خلاق بودن شهر با مذهب، جهان‌بینی، نژاد، قومیت، جنسیت وابسته است (Alsayel et al., 2022). طبق نظریه سرمایه خلاق فلوریدا، انسان‌های خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و رشد اقتصادی آن می‌شوند (ابراهیم‌زاده و نیری، ۱۳۹۷).

این شهر سیستمی مردم‌پایه و مبتنی بر جذب کارکنان و کسب و کارهای خلاق است که با فاکتورهای مانند محیط اجتماعی دگراندیش، محیط اقتصادی خلاق و فناوریانه، امکانات رفاهی مطلوب، محیط طبیعی پاکیزه، محیط کالبدی سرزنده و محیط نمادین همراه است (امیری و همکاران، ۱۳۹۸) و کلید فهم جغرافیای جدید خلاقیت و تأثیر آن بر نتایج اقتصادی را در تکنولوژی، ظرفیت تحمل‌پذیری، استعداد و توانایی، می‌یابد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۵). مردم، بنگاه‌های اقتصادی، فضاها، پیوندها و چشم‌انداز، ۵ رکن اصلی شهرهای خلاق می‌باشند (عباسی و شبانی، ۱۳۹۶).

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

تصورات، مفاهیم، قضاوت‌ها و نظرات، قواعدی برای رفتار یا پراگما هستند، اما حقیقت آن‌ها تنها در سودمندی عملی‌شان در زندگی نهفته است (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰). پیرس معتقد است که هر اندیشه، یک نماد است و نمی‌توان بدون کاربرد نمادها به صورت لفظی و شفاهی و یا با ایما و اشاره اندیشید (نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵). جان دیویی به دلیل تأکید بیشتر بر روش تجربه، بجای پراگماتیسم از اصطلاح ابزارگرایی استفاده کرد (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰). دیدگاه نوع‌عمل‌گرایانه رورتنی نیز، با چرخش زبان‌شناختی و تجدیدنظر در عمل‌گرایی کلاسیک مشخص می‌شود (نورمحمدیان و همکاران، ۱۳۹۷). این تجدیدنظرها شامل انکار حقیقت و واقعیت، نفی عقلانیت و عقل، تأکید بر زبان می‌باشد (اصغری، ۱۳۸۷). در برداشت رورتنی، حقیقت ساختنی است نه یافتنی (رورتنی، ۱۳۸۴، ص ۶۶) و شناخت مستلزم گفت و گو و عمل اجتماعی است (اسلامی، ۱۳۹۶). جیمز و دیویی هر دو بر آن باور بودند که ذهن در روند تکاملی، به عنوان ابزاری برای سازگاری با محیط‌زیست موجودات زنده و بهبود و سعادت زندگی انسان‌ها محسوب می‌شوند و در دیدگاه رورتنی زبان ابزاری برای زیستن و بقای انسان است. بنابراین پراگماتیست‌های جدید به جای تجربه یا ذهن یا وجدان که پراگماتیست‌های قدیم به آن‌ها می‌پرداختند، از زبان صحبت می‌کنند.

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

علامه اعتباریات را همان افکار عملی و اجتماعی انسان برمی‌شمارد، افکاری که منشا اراده و عمل در اوست (پورحسن، ۱۳۹۲). از نظر وی غرض از اعتبار، به کار گرفتن استعاری مفاهیم حقیقی برای انواع اعمال و حرکات، جهت نیل به اهداف حیاتی و مطلوب انسان است. رفع نیازها و تحقق غایات انسان بدون زندگی اجتماعی ممکن نیست. پس اعتبارات اجتماعی لازمه بقای چنین اجتماعی هستند (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳). علامه با اتخاذ رویکرد رئالیستی، ابزارهای کسب معرفت را حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی می‌داند (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸). سه عامل تمایلات، غایات و نیازها در تعامل با یکدیگر به شکل‌گیری اعتباریات می‌انجامند (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳). "سنت محوری" علامه در میانه این تنازع قرار می‌گیرد ولی نه به آن معنا که هر دو را می‌پذیرد، بلکه نگاهی انتقادی به هر دو رویکرد داشته و راه سوم را پیش رو قرار می‌دهد. رویکردی که به اقتضای مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی ایشان است و با دیگر رویکردها به رغم برخی مشابهت‌ها دارای تفاوت‌هایی بنیادین و اساسی است (پارسانیا و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۵. مؤلفه هدف و نتیجه بخشی

- در شهر خلاق فلوریدا

هدف اصلی از ایجاد شهر خلاق، ارتقا میزان تاب‌آوری، نوآوری، رشد اقتصادی (Alsayel et al., 2022)، تولید ثروت برای افزایش میزان رفاه شهروندان (رفیعیان و شعبانی، ۱۳۹۴) و از نظر فلوریدا نیز تولید و اشتغال خلاق می‌باشد (Florida et al., 1998). (36) از طرف دیگر، ظهور طبقه خلاق، رشد اقتصادی را تنها برای کسانی که اکنون نیز ثروتمندند، به ارمغان می‌آورد و موجب جابجایی طبقه فقیر و کارگر از مرکز شهر به سمت حومه شهرها می‌شود. اساساً کسانی که در بخش خدماتی یا صنعتی کار می‌کنند و مجبور هستند هر روز کاری تکراری و غیرخلاقانه انجام دهند، از این طبقه نیستند. باگذشت زمان «اقتصاد خلاق» دیگر به‌عنوان یک هدف مطرح نبود و تبدیل به یک نیروی غیرقابل توقف شد.

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

پراگماتیسم از نظر پیرس یعنی برای شناختن یک فکر کافی است که به تعیین رفتاری که این فکر برمی‌انگیزد، پردازیم (هاشمی و گنجعلی، ۱۴۰۰). از دیدگاه پراگماتیسم، معیار حقیقت، سودمندی، فایده و نتیجه است (سبزیان و بهمن، ۱۳۹۰)، علم نیز قدر و اعتبار علمی دارد و هدف اصلی علم ماهیت و کنه اشیا نیست، بلکه فایده عملی آن است (شکویی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۲). در این مفهوم امری به نام اخلاق وجود ندارد و فضایل اخلاقی تا آنجا پذیرفتنی است که ممانعتی برای انسان در رسیدن به اهداف ایجاد نکنند. در نتیجه چون پراگماتیسم برای گذشتن از موانع به وجود آمده، لذا در عمل، اخلاق را باید به سویی نهاد و چیزی را برگزید که منافع را تامین می‌کند. این امر حتی موجب ضد اخلاق بودن فلسفه پراگماتیستی شده است (سبزیان؛ بهمن، ۱۳۹۰).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

علامه معتقد است که نفسانیات به منزله ابزاری می‌باشند که طبیعت آن‌ها را برای رسیدن به هدف و مقصد خود ساخته است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۰). هدف زندگی یک فرد مسلمان خدامحوری (نیل به کمال انسانی) است. مبنای شناسایی ارزش‌ها ترجیحات فردی نبوده بلکه ترجیحات زندگی دینی و بهره‌مندی از مزایای مادی و معنوی، در اولویت خواهد بود (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸). در مقایسه هدف و فلسفه زندگی در جوامع اسلامی با جهان غرب، علامه رویکرد جهان غرب به زندگی و هدف از زندگی را بهره‌مندی از بیشترین مزایای زندگی می‌داند (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸). در جهان‌بینی اسلامی، معرفت و ایمان به ذات اقدس الهی، به انسان و اعمال او جهت و هدف می‌بخشد. علامه معتقد است ادراکات اعتباری، منشا اراده و عمل در انسان می‌باشند. ارزش اعتباریات نیز به مقام کنش و فعل مربوط بوده و برای دستیابی به اغراض و اهداف حیاتی زندگی بشری، ساخته می‌شوند (علی‌نام، ۱۴۰۰).

در نظریه شهر خلاق فلوریدا رشد اقتصادی توسط طبقه خلاق مطرح است، که منجر به شکوفایی و مطرح شدن قشر با استعداد جامعه می‌شود و با وجود اینکه مرکز توجهات در نظریه شهر خلاق، طبقه خلاق می‌باشد و اشاره مستقیمی به شکوفایی سایر اقشار جامعه نشده ولی انتظار می‌رود طبقات دیگر نیز از این رشد اقتصادی بهره‌مند گردند.

در جامعه اسلامی هدف عمده از فعالیت‌های اقتصادی رسیدن به رفاه در راستای سعادت انسان‌هاست و سبب از بین رفتن ستیز بین کارگر و سرمایه‌دار خواهد شد.

۲-۶. مؤلفه مشارکت و تعامل

- در شهر خلاق فلوریدا

نوآوری‌های پایدار در شهر باید با مشارکت جامعه و مالکیت مشترک فرایندها و نتایج همراه باشد (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۷). شهر خلاق، به مکان‌ها و فضاهایی با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، ترکیبی و مختلط اطلاق می‌شود که فرصت‌ها و تعاملات میان شهروندان برای حل مشکلات و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و تبادل راحت و غیررسمی اطلاعات میان افراد خلاق را فراهم می‌کند و این امر به بروز ایده‌های جدید و تفکر خلاقانه منجر می‌شود. از طرف دیگر، برای این که یک شهر بتواند کیفیت مکانی خوب را فراهم کند، افراد خلاق در شهر ساکن می‌شوند و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خلاق و مولد صورت می‌گیرد. عنصر اصلی کیفیت مکانی خوب شامل جو اجتماعی مبتنی بر تسامح و تساهل، آزادی و دربرگیرندگی است.

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

پراگماتیست‌ها بر همکاری به جای رقابت تاکید دارند و بر این باورند که مفهوم همکاری باید جانشین مفهوم رقابت شود. زیرا همکاری بیش از رقابت با طبیعت انسانی سازگار است و می‌تواند در دستیابی به منافع مؤثرتر از رقابت عمل کند. آن‌ها به این دلیل که دریافته‌اند هر شخص تاثیر خاص خود را بر فرهنگ و اجتماع خود دارد، تمرکز خود را بر امر آموزش و یادگیری معطوف کرده‌اند (Hoch et al., 2013).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

در دیدگاه علامه دستیابی به سعادت و کمال صرفاً در محیط اجتماعی و در تعامل با دیگر انسان‌ها قابل تحقق است (حسنی فر، ۱۳۹۶) و چون ادراکات اعتباری به منزله ابزاری است که انسان برای رفع نیازهای خود به کار می‌گیرد، آن‌ها تابع احساسات و مناسب با قوای فعاله آدمی هستند و از آنجا که بعضی احساسات درونی آدمی لازمه نوع انسان و ثابت و ناظر بر ارتباط انسان با جهان خارج می‌باشند، آن‌ها را باید ادراکات اعتباری قبل از اجتماع یا اعتبارات عمومی و برخی دیگر را که خصوصی و قابل تغییر و ناظر به ارتباط انسان با جامعه و احکام و قوانین اجتماعی خاص می‌باشند، ادراکات اعتباری بعد از اجتماع یا اعتبارات خصوصی نامید (حسنی فر، ۱۳۹۶). بنابراین نکته حائز اهمیت در جهان‌بینی اسلامی توجه به زندگی اجتماعی و خصوصی در یک راستا می‌باشد.

۷-۲. مؤلفه تساهل و تسامح و آزادی اجتماعی

- در شهر خلاق فلوریدا

در مکتب نئولیبرال، تحقق شهرها به شیوه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد. در این مکتب، شهرهای رقابتی شکل می‌گیرند که با ارائه منابع گسترده، نیروی کار ماهر را جذب می‌کنند و آن‌ها را طعمه‌ای برای سرمایه‌گذاری مستقیم می‌پندارند (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۷). براساس دیدگاه سوسیال دموکرات نیز هر فرد باید یک شهروند خلاق باشد. مهم‌ترین هدف شهر خلاق نیز تولید ثروت برای افزایش میزان رفاه شهروندان است (رفیعیان و شعبانی، ۱۳۹۴). تسامح در برگیرنده فرهنگی باز و متنوع بر مبنای قومیت، نژاد و جهت‌گیری جنسی است (ایراندوست و غلامیزارچی، ۱۳۹۴). فلوریدا در مورد تساهل و تسامح یا ظرفیت تحمل‌پذیری، اشاره می‌کند که شهرهای با تعداد بالای هنرمندان، موسیقیدانان، اساتید و دانشمندان و کارکنان در فناوری برتر، متولدین خارج، همجنس‌گراها و به اصطلاح "بوهمنیسم" سطح بالایی از توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت (Florida, 2002: 34). فضا باید امکان حضور افراد با دیدگاه‌های اعتقادی مختلف را تامین نماید و افراد باید به عقاید و اعمال یکدیگر احترام گذاشته و بصورت مسالمت‌آمیز با یکدیگر برخورد نمایند.

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

از نظر آن‌ها، دموکراسی هنر مدیریت منافع همزمان با رو در رو کردن آراء و پذیرش چندگانگی است. گسترش دادن خود، غنا بخشیدن به خود، خود آفرینی، ممتاز شدن با امتیازهای شاخص فردی، متحقق ساختن خود و فردیت خود، فقط با دموکراسی ممکن است که بستر تبادل آزادانه افکار را مهیا و مقدمات رشد حقیقی فرد را آماده می‌کند. براساس نهضت فکری جفرسون نیز می‌توان سیاست را از اعتقادات مشترکمان جدا کنیم (ابدالی، ۱۳۹۴).

- در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

اسلام نوعی آزادی به بشر داده و آن آزادی از هر قید و بند و از هر عبودیتی به جز عبودیت برای خداوند است. در حالی که تمدن غرب بشر را اسیر و بنده هوا و هوس‌ها و جاه طلبی‌ها نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۴). طبق اندیشه اسلامی، به واسطه سرنوشت مشترک افراد اجتماع، اگر یک نفر بخواهد گناهی مرتکب شود، بر دیگران لازم است نهی از منکر کنند. مصالح و منافع هر فرد و جامعه به لحاظ مقتضیات زمان و مکان تحول می‌یابند. لذا اگر حقیقت را به معنای منفعت و مصلحت بگیریم، طبعاً با تحول منفعت، حقیقت نیز تحول می‌پذیرد و پذیرش این مطلب، مستلزم هرج و مرج خواهد بود (ابدالی، ۱۳۹۴). رورتی لزوم قطع علاقه جامعه لیبرال دموکرات را از انسان‌شناسی فلسفی مستند می‌کند به این نکته که سودش بیشتر است. بخاطر آزادی معنوی انسان‌ها و عمل‌گراتر و آزاد اندیش‌تر شدن آن‌ها و این که آن را یکی از وسایل مهم پیشرفت اخلاقی می‌داند. او ما را به پیوند گسستن از انسان‌شناسی فلسفی دعوت می‌کند ولی در انسان‌شناسی فلسفی که انسان را موجودی کمال طلب معرفی می‌کند در تعارض با هیچ یک از این موارد نمی‌باشد (ابدالی، ۱۳۹۴).

۸-۲. مؤلفه معرفت شناختی و سرشت فکری

- در اندیشه‌های پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم

به نظر رورتی به محض این که گفت و گو جایگزین بازنمایی شود، می‌توان مفهوم ذهن به مثابه آینه طبیعت را، کنار گذاشت. در کل‌گرایی، دیگر جایی برای فلسفه که امری مفهومی و یا قطعی است، وجود نخواهد داشت. در این جا معرفت موضوعی مربوط به گفت‌وگو و عمل اجتماعی می‌شود و نه تلاشی برای بازنمایی آینه‌وار طبیعت. در این صورت عقلانیت و حجیت معرفتی فقط با رجوع به آنچه که جامعه گفتنش را برای ما روا می‌دارد به دست می‌آید (اسلامی، ۱۳۹۶).

از دید رورتی، فلسفه‌ای که به دنبال یافتن معرفتی نهایی است باید کنار برود و فلسفه با این ادعا که می‌تواند به چستی چیزها چنان که هستند، دست یابد، اشتباه است و هرگز نمی‌تواند باورهای ما را بر پایه "تطابق با امر واقع" بنا نهد؛ زیرا نه داده‌ای در کار است و نه امر واقعی. آنچه که هست زبان است، و هیچ کس را یارای آن نیست که از زبان فراتر رود، و به درکی از پدیده‌ها چنان که هستند، برسد. بدین ترتیب، حقیقت ساخته انسان است؛ زیرا انسان خالق واژه‌هاست، پس هر چه هست در متن تاریخ و زبان، معنا و حقیقت می‌یابد (بسطامی، ۱۳۸۹).

در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

با توجه به اثبات وجود ذهنی (در مقابل وجود مادی) در فلسفه اسلامی و این که وجود در این مرتبه، مستقیماً در برابر آگاهی انسان قرار می‌گیرد و به هیچ وجه قابل دسترسی نیست، ما می‌توانیم با استفاده از آن، به اشیاء خارج و اختلاف خواص آن‌ها که برگرفته از ذات آن‌ها می‌باشد، پی ببریم. به تعبیر علامه، اگر هیچ اختلافی در میان خواص اشیاء نبود، هیچ‌گونه اختلافی در

تأثیراتی که در ما دارند وجود نداشت و این دلیلی است بر رد مدعای ضدماهیت باور رورتی که می‌گوید حقیقت در خارج نیست بلکه زبانی می‌باشد (ابدالی، ۱۳۹۴).

طبق نظر فلاسفه اسلامی علوم حصولی و حضوری فطری و نیز غرایز مختلف انسانی در سرشت و ذات انسان‌ها تعبیه شده و این‌ها جزء امور ذاتی اویند و گفتگو و اجماع جامعه، نه می‌تواند آن‌ها را به وجود آورد و نه می‌تواند آن‌ها را ریشه کن کند؛ لکن جامعه به کمک عناصر مختلفی که در اختیار دارد، می‌تواند زمینه شکوفایی و عدم شکوفایی همه یا برخی از این فطریات را فراهم آورد. همچنین در جامعه یک مسئله خاص کلی وجود ندارد که بگوییم همه باید آن را بپذیرند، بلکه مسائل مختلفی وجود دارد که طبق نظر رورتی برای همه این موارد باید یک اجماع گروهی و یک توافق رخ بدهد. آن هم بدون مبنای خاصی، که اولاً این کار خیلی مشکل می‌باشد؛ و ثانیاً ممکن است در جامعه اجتماعات فراوانی رخ دهد که همگی با هم سازگار نباشد و در نتیجه هیچ ملاکی برای تفاهم و ارتباط و گفتگو بین آنها وجود ندارد (ابدالی، ۱۳۹۴).

حقیقت در فلسفه اسلامی عبارت است از صورت علمی مطابق با واقعیتی که از آن حکایت می‌کند؛ ولی طبق تعریف پراگماتیستی فکری است که در زندگی عملی انسان مفید باشد؛ یا طبق نظر رورتی حقیقت آن است که همه مردم بر آن اتفاق دارند.

بررسی تطبیقی میزان همسویی اندیشه‌های شهر خلاق فلوریدا و دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم با نظریه اعتباریات علامه

پس از بررسی و تحلیل مؤلفه‌های شهر خلاق، به میزان واگرایی و همسویی و یا عدم همسویی این مؤلفه‌ها با نظریات دو فلسفه غربی پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم از یکسو و نظریه اسلامی اعتباریات علامه از سوی دیگر پرداخته شده است. ماحصل میزان این انطباق‌ها و عدم انطباق‌ها در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: میزان همسویی اندیشه‌های شهر خلاق فلوریدا و دو فلسفه پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم با نظریه اعتباریات علامه (منبع: نگارندگان)

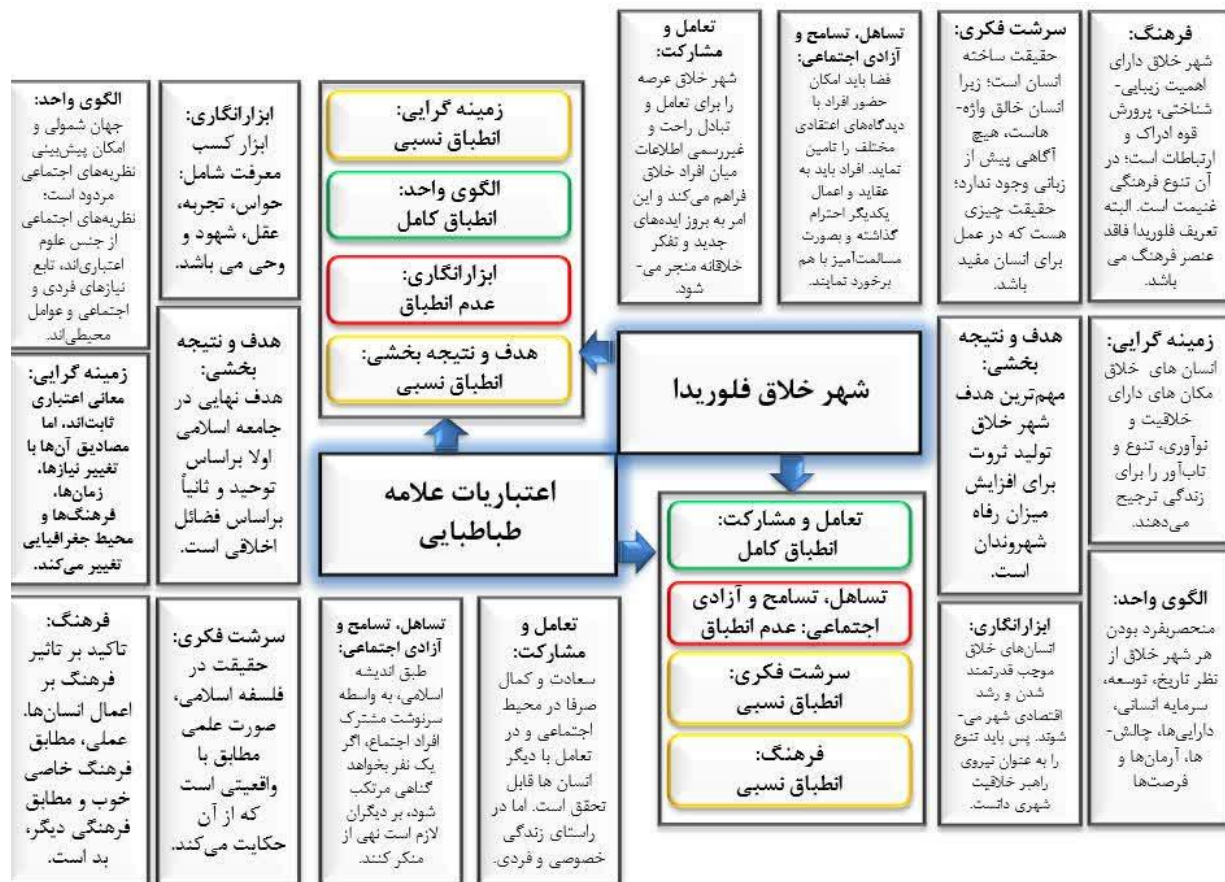
میزان انطباق	علامه طباطبایی	پراگماتیسم و نئوپراگماتیسم	شهر خلاق	ابعاد مورد بررسی
انطباق نسبی	تأثیر فرهنگ بر اعمال انسان‌ها: عملی، مطابق فرهنگ خاصی خوب و محترمانه، و مطابق فرهنگی دیگر، بد و توهین آمیز است.	-تاکید بر نقطه نظرات مختلف، زبان انسانی، تاریخ، فرهنگ، عادات و آداب به عنوان داده‌های کارآمد. -فرهنگ جایگزین علم	سرمایه‌ای با ارزش و ابزار بازآفرینی شهری	فرهنگ
انطباق نسبی	معانی اعتباری ثابت‌اند، اما مصادیق آن‌ها با تغییر نیازها، زمان‌ها، فرهنگ‌ها و محیط جغرافیایی تغییر می‌کنند.	درنظر گرفتن شرایط خاص هر مکان	جغرافیای خلاقیت و توجه به افراد محلی	زمینه گرایی
انطباق کامل	جهان شمولی و امکان پیش‌بینی نظریه‌های اجتماعی را مردود می‌داند.	-جهان دارای هیچ چیز ساخته و آماده نیست پس امکان حدوث هر نوع پدیده و واقعه غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد -رد هر گونه الگوی واحد و جهان شمول و ضدحقیقت	-منحصربفرد بودن هر شهر خلاق از نظر تاریخ، توسعه، سرمایه انسانی، دارایی‌ها، چالش‌ها، آرمان‌ها و فرصت‌ها -تنوع و خلاقیت به عنوان پیشران‌های اصلی نوآوری و رشد شهری	الگوی واحد

ابزارانگاری	تکنولوژی، تاب آوری، استعداد و توانایی	پراگماتیست ها: ذهن نئوپراگماتیست ها: زبان	ابزارهای کسب معرفت: حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی	عدم انطباق
هدف و نتیجه بخشی	تولید و اشتغال خلاق	هدف اصلی علم باید فایده عملی آن باشد.	هدف نهایی در جامعه اسلامی اولاً براساس توحید و ثانیاً براساس فضائل اخلاقی است. هدف سعادت دنیوی و اخروی می باشد.	انطباق نسبی
تعامل و مشارکت	در شهر باید مشارکت جامعه و مالکیت مشترک فرایندها و نتایج دیده شود.	تاکید بر همکاری به جای رقابت	در دیدگاه علامه دستیابی به سعادت و کمال صرفاً در محیط اجتماعی و در تعامل با دیگر انسان ها قابل تحقق است.	انطباق کامل
تساهل و آزدای اجتماعی	فضا باید امکان حضور افراد با دیدگاه های اعتقادی مختلف را تامین نماید و افراد باید به عقاید و اعمال یکدیگر احترام گذاشته و بصورت مسالمت آمیز با یکدیگر برخورد نمایند.	توجه و تاکید بر دموکراسی یعنی میتوان سیاست را از اعتقادات مشترکمان جدا کنیم و این برای داشتن جامعه ای دموکراتیک ضروری است.	اسلام آزادی به بشر داده که قابل قیاس با آزادی تمدن عصر حاضر نیست و آن آزادی از هر قید و بند و از هر عبودیتی به جز عبودیت برای خدای سبحان است.	عدم انطباق
معرفت شناختی و سرشت فکری	رشد اقتصاد و کارایی و اندیشه های نوگرایانه	ادعای ضدماهیت باور: معرفت موضوعی مربوط به گفت و گو و عمل اجتماعی می شود و نه تلاشی برای بازنمایی آیینهار طبیعت	حقیقت در عمل چیزی هست که برای انسان مفید است.	انطباق نسبی

نتیجه گیری

طبق شکل شماره ۵ اعتباریات اصلی شهر خلاق از نظر اعتباریات علامه تا حدودی دچار تایید قرار گرفته است و این پژوهش باعث تقلیل اهمیت نظریه شهر خلاق نمیشود این نظریه در سایر کشورها بازدهی داشته ولی در کشورهایی با اندیشه اسلامی من جمله ایران جهت افزایش بازدهی باید با تفکر ایرانی-اسلامی آمیخته گردد. طبق نتایج به دست آمده انطباق نسبی بین نظریه شهر خلاق با اندیشه اسلامی وجود دارد. برای مثال، نظیر سرشت فکری شهر خلاق، در اندیشه های اسلامی نیز رفاه بشریت از اهمیت بالایی برخوردار؛ نحوه رسیدن به این رفاه باید با اندیشه های اسلامی و فضائل اخلاقی آن هم راستا باشد. همچنین در نظریه شهر خلاق فلوریدا رشد اقتصادی طبقه خلاق اهمیت دارد که انتظار می رود پیشرفت اقتصادی طبقه خلاق به سایر اقشار جامعه نیز نفوذ خواهد کرد؛ در جامعه اسلامی نیز هدف عمده از فعالیت های اقتصادی رسیدن به رفاه در راستای سعادت انسان هاست؛ و این باعث از بین رفتن ستیز بین کارگر و سرمایه دار خواهد شد. به علاوه؛ در این راستا می توان تغییر آزادی اجتماعی که به هر نوع آزادی نفسانی مربوط است را با آزادی معنوی جایگزین کرد تا مومن بتواند در مسیر شکوفایی استعدادهای خلاق خود در جهت رفاه و سعادت شهر گام بردارد. از طرف دیگر موضوع تساهل و تسامح باید به امر به معروف و نهی از منکر تغییر یابد. منظور از تسامح جذب طبقه خلاق می باشد و طبقه خلاق آزادانه فعالیت داشته باشند افراد باید به عقاید یکدیگر احترام بگذارند و این فعالیت آزادانه تا زمانی که با اصول و ارزش های اسلامی تداخل نداشته باشد دارای ارزش و اهمیت است و احیاناً اگر در مرحله ای اصول انسانی و اسلامی زیر سوال برود، با امر به معروف و نهی از منکر میتوان مداخله در جهت اصلاح رویکرد حاضر داشت که به نظر می آید این مداخله ماهیت شهر خلاق را زیر سوال نمیرد و فقط گامی در جهت بومی سازی این مولفه می باشد. در زمینه ابزارانگاری نیز توجه صرف به انسان خلاق کافی نیست بلکه در کنار آن باید

از مجموعه‌ای از ابزارها نظیر حواس، شهود، عقل، تجربه شهود و وحی یاری گرفت. در شکل ۵، نحوه ارتباط مؤلفه‌ها با نظریه‌های مطرح شده به تفصیل بررسی شده است.



شکل ۴: تعیین عوامل شکل دهنده به نظریه شهر خلاق فلوریدا و بازاندیشی و مقایسه با اندیشه اسلامی (منبع: نگارندگان)

بر اساس شکل ۴، در مجموع براساس مطالب آورده شده در مبانی نظری و تحلیل‌های صورت گرفته در زمینه‌های مربوطه در این پژوهش، مشخص شد که از بین ۸ مولفه تاثیرگذار در شهر خلاق جهت پیاده‌سازی در شهر ایرانی اسلامی دو تا از مولفه‌ها در انطباق کامل قرار دارد و ۲ مولفه اصلی و اساسی در وضعیت عدم انطباق قرار دارند و هم‌چنین ۴ مولفه دارای انطباق نسبی هستند. به این معنا که در اصل مولفه انطباق دارند، اما در مرحله اجرا همسو نمی‌باشند و این امر نشان از توانایی اجرای این نظریه در فرهنگ ایرانی اسلامی می‌باشد. اجرای شهر خلاق در کشورهای غربی موفقیت آمیز بوده و در کشور ما ایران نیز علی‌رغم وجود پاره‌ای از مغایرت‌ها در صورت استفاده از مبانی فکری و فلسفی اسلامی و بومی‌سازی این نظریه و سازگاری آن با فرهنگ شهروندان کشورمان قابل اجرا خواهد بود که در این صورت با چالش‌های کمتری مواجه خواهد بود؛ زیرا ظرفیت‌های «اعتبارات عمومی» در نظریه علامه می‌تواند پلی برای پذیرش برخی تجربیات عقلایی بشر (حتی غربی) باشد.

1. Jacobs
2. Alsayel
3. Sasaki
4. Florida
5. Debord
6. Spectacular City
7. Talent
8. Tolerance
9. Yum
10. Creative class
11. Creative infrastructure
12. Culture
13. Charles Hoch

منابع

- ابدالی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی انتقادی نئوپراگماتیسم با تاکید بر آراء ریچارد رورتی از منظر فلسفه اسلامی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ نیری، ناصر. (۱۳۹۷). سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهر خلاق، مطالعه موردی: مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان. *جغرافیا و توسعه*، ۱۶ (۵۲)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22111/gdij.10.22111>
- اسلامی، شهلا. (۱۳۹۶). نقد رورتی بر معرفت‌شناسی. *فلسفه تحلیلی*، ۱۴ (۳۱)، ۵-۲۱. <http://noo.rs/PTXFA>
- اشتری، حسن. (۱۳۹۳). شهر خلاق، طبقه خلاق. انتشارات تپسا.
- اصغری، محمد. (۱۳۸۷). تلاقی پراگماتیسم و پست‌مدرنیسم در فلسفه ریچارد رورتی. *معرفت فلسفی*، ۲۲ (۲)، ۱۶۵-۱۹۴. <http://noo.rs/TYxb3>
- اکبری‌مطلق، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی ابعاد نظریه شهر خلاق و تاثیر آن بر توسعه شهری پایدار با تاکید بر تجارت جهانی. *همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان*.
- امیری، مجتبی؛ ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ زیاری، کرامت‌اله؛ اشتری، حسن. (۱۳۹۸). کاربرد روش مرور سیستماتیک ادبیات در شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر خلاق. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۷ (۴)، ۷۰۱-۷۲۲. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2019.248581.838>
- ایراندوست، کیومرث؛ غلامی‌زارچی، مصطفی. (۱۳۹۴). ارتقای فرصت حضور و مشارکت مردم با استفاده از معرفی گونه‌های فضای عمومی شهر خلاق، مطالعه موردی: شهر یزد. *هنرهای زیبا*، ۲۰ (۲)، ۴۷-۵۸. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.56717>
- باقری، خسرو؛ عطاران، محمد (۱۳۷۴). *فلسفه تعلیم و تربیت معاصر*. تهران، انتشارات مؤسسه علمی فرهنگی محراب قلم.
- باقری، خسرو؛ خوشحویی، منصور. (۱۳۸۱). انسان از دیدگاه پراگماتیسم جدید (ریچارد رورتی). *علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۱۲ (۴۲)، ۱۵-۳۳. <https://www.share.sid.ir/paper/13894/fa?media=1>
- بسطامی، حسن. (۱۳۸۹). افول پراگماتیسم و ظهور نئوپراگماتیسم. *نشریه زمانه*، ۱ (۹۳)، ۵۸-۶۰. <http://noo.rs/t27cM>
- بیگدلو، علی اکبر؛ واعظی، اصغر. (۱۴۰۳). ارزیابی دیدگاه علامه طباطبایی درباره شبهه هیوم در منشا تصور علیت. *آموزه‌های فلسفه اسلامی*، ۱۹ (۳۵)، ۶۵-۸۴. <https://doi.org/10.22059/ipd.10.30513>
- پاکین، ریچارد؛ استرول، اوروم. (۱۳۷۴). *کلیات فلسفه*. ترجمه سیدجلال الدین مجتبی، تهران: انتشارات حکمت.
- پارسانی، حمید؛ دانایی‌فرد، حسن؛ حسینی، سیدابوالحسن. (۱۳۹۳). دلالت‌های نظریه اعتباریات برای تحول در علوم انسانی. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۵ (۱)، ۲۳-۴۸. <https://elmneter.ir/doc/1478478-18793>
- پورحسن، قاسم. (۱۳۹۲). اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی. *حکمت و فلسفه*، ۳۶ (۴)، ۴۷-۷۰. <http://noo.rs/IHGVH>

- علیپور، سمیه؛ غلامی، محمد؛ گلپور، حامد. (۱۳۹۸). تحلیل کارایی محلات شهری بوشهر از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق. کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز. <https://civilica.com/doc/938808>
- علی‌نام، زهرا. (۱۴۰۰). بررسی فرایند موقعیتی تولید معنا در فضاهای شهری از منظر نظریه ادراکات اعتباری. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۶ (۲)، ۸۱-۹۳. <http://dx.doi.org/10.52547/ciauj.6.2.81>
- غریب، امید؛ نجفی، محدثه؛ اکبری‌مطلق، مصطفی؛ حسین‌پور، سیدعلی. (۱۳۹۱). شهر خلاق/اقتصاد پایدار. تهران، انتشارات طحان.
- فتوحی مهربانی، باقر؛ کلانتری، محسن؛ رجایی، سیدعباس. (۱۳۹۵). شهر خلاق و شاخص‌های شهر خلاق ایرانی. نشریه جغرافیا، ۱۴ (۵۱)، ۱۰۱-۱۱۸. <https://www.magiran.com/p1664264>
- کلانتری، محسن؛ رجایی، سیدعباس؛ فتوحی مهربانی، باقر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برخورداری کلان شهرهای ایران از شاخص‌های شهر خلاق. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۴)، ۶۱۲-۸۵۷. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.62197>
- کمالی، محمدمهدی؛ اکبری‌ان، رضا. (۱۳۹۴). معرفت‌شناسی گزاره‌های اخلاقی بر مبنای نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی. فلسفه و کلام اسلامی، ۴۸ (۱)، ۹۹-۱۲۰. <https://www.magiran.com/p1443760>
- کوراوند، مریم. (۱۳۹۵). ارزیابی نقش محله خلاق در توسعه شهری با رویکرد محیط نوآور، مطالعه موردی: محلات منطقه ۳ شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کاشان.
- مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ سقایی، محسن؛ ایمان، فاطمه (۱۳۹۳). سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱۶)، ۱۰۵-۱۲۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.16.7.f>
- مرتضوی هشتروندی، محمود؛ حیدری، مهدی. (۱۳۹۶). نقد بنیان‌های فلسفی پارادایم پراگماتیسم از دیدگاه اسلام. پنجمین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، <https://civilica.com/doc/686907>
- مطلبیان، خسرو؛ رحمانی، بیژن (۱۳۹۹). برنامه‌ریزی و رهبری خلاق در شهر ایرانی اسلامی و ارتباط آن با خلاقیت شهری. فصلنامه آمایش محیط، ۱۳ (۵۰)، ۱۱۰-۱۳۲. <https://sid.ir/paper/fa367126>
- مطهری، سیدمرتضی. (۱۳۶۴). مقدمه و پاورقی بر کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی، هادی؛ حسینی، سیدحمیدرضا. (۱۳۹۵). نقش نظریه اعتباریات در جایگاه‌شناسی علم انسان‌شناسی. فصلنامه علمی-پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، ۳۵ (۱۳)، ۱۵۹-۱۸۱. <https://doi.org/10.22034/ra.2016.21963>
- نویان، سیدمحمود. (۱۳۹۰). چیستی اعتبار نزد علامه طباطبایی. معرفت فلسفی، ۹ (۲)، ۱۱۵-۱۶۴. <https://www.magiran.com/p988531>
- نظم‌فر، حسین؛ آفتاب، احمد؛ غفاری‌گیلانده، عطا؛ موسوی، میرنجف. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر برنامه‌ریزی شهر خلاق، مطالعه موردی: ارومیه. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۱)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2018.242044.784>
- نورمحمدیان، مزده؛ هاشمی‌مقدم، شمس‌الدین؛ ناطقی، فائزه. (۱۳۹۷). مقایسه مولفه‌های تربیتی فلسفه نوع‌گرایی ریچارد رورتی با فلسفه تربیتی اسلام. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۳ (۱)، ۱۹۷-۲۱۱. <https://www.doi.org/10.22034/ijes.2017.43710>
- نوروزی، رضاعلی؛ شهریار نیسیانی، شهناز. (۱۳۹۵). واکاوی روش‌شناسی پیرس و بررسی سهم آن بر رویکردها و روش‌های پژوهش. حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷ (۲)، ۴۵-۶۸. <http://noo.rs/JkFsn>
- هاشمی، محمد؛ گنجعلی، فرید. (۱۴۰۰). پراگماتیسم در طراحی شهری انسان‌محور و دموکراتیک. مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۷ (۲)، ۶۳-۷۲. <http://noo.rs/Bkdfk>

منابع انگلیسی

- Alsayel, A., Jong, M., Fransen, Jan. (2022). Can creative cities be inclusive too? How do Dubai, Amsterdam and Toronto navigate the tension between creativity and inclusiveness in their adoption of city brands and policy initiatives? *Cities*, (128), 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103786>
- Beaker, G. (2008). Creative City Planning Framework, A Supporting Document to the agenda for prosperity: Prospectus for a Great City.

- Florida, R., Kennedy, M. (1998). Venture Capital, High Technology and Regional Development. *Regional Studies*, (4), 33-48.
- Florida, R (2002). *The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. University of Toronto.
- Hoch, Ch., Wang, L. (2013). Pragmatic Rational Planning: Comparing Shanghai and Chicago. *Planning Theory*, (1), 53-827.
- Chan, Rebecca C. (2011). *Old Buildings, New Ideas: Historic Preservation and Creative Industry Development as Complementary Urban Revitalization Strategies*. (Masters Thesis). University of Pennsylvania, Philadelphia, PA.
- Yigitcanlar, T. (2005). *The Making of Knowledge Cities: Lessons Learned From Melbourne*" International Symposium on Knowledge Cities, Saudi Arabia, Medina. https://www.academia.edu/3030489/The_making_of_knowledge_cities_lessons_learned_from_Melbourne

پیش از انتشار (ناویر استه)